
به سوی همبستگی: چپ در ترکیه کنونی

فاطمه مسجدی

بابک مینا



یکی از ویژگی‌های تحول سیاسی در ترکیه کنونی رشد سرمایه‌داری و برآمدن طبقه‌ای سرمایه‌دار و مسلمان است. این پدیده را چپ‌های سکولار در ترکیه چگونه می‌بینند؟ چپ‌ها چه نگاهی به جامعه‌ی خود دارند و چگونه مبارزه علیه سرمایه‌داری را به پیش می‌برند؟ درباره‌ی این مسائل با آتاکان سیاست‌شناس چپ‌گرا، گفت‌وگو کردیم، (Atakan Çiftçi) چپچی

پیوند سرمایه‌داری و اسلام در ترکیه‌ی امروز موضوع جالبی برای محققان مارکسیست است. اگر از کشورهای کوچک حاشیه‌ی خلیج فارس بگذریم، می‌توانیم بگوییم ترکیه نخستین کشور مسلمانی است که تا این حد توانسته ساختار اقتصاد سرمایه‌داری را با اسلام تطبیق دهد. روشنفکران و فعالان سیاسی چپ در ترکیه چه دیدگاهی درین باره دارند؟

اولین حزب اسلام‌گرای سیاسی در ترکیه، حزب «رستگاری ملی» در اواخر دهه‌ی شصت، با رهبری کاریزماتیک نجم‌الدین اربکان و متأثر از اخوان المسلمین تأسیس شد. قبل از تأسیس حزب، اربکان شخصیت مهمی در اتحادیه‌ها و بازار و بورس ترکیه و نماینده‌ی منافع شرکت‌های کوچک و متوسط مناطق روستایی و محافظه‌کار کشور بود.

در دهه‌ی هفتاد حزب اربکان از رویکردی توسعه‌گرایانه، مبتنی بر سرمایه‌گذاری دولتی در صنایع سنگین، دفاع می‌کرد. پس از کودتای نظامی سال ۱۹۸۰، ترکیه از صنعتی‌سازی به سوی مدل اقتصادی نئولیبرال تغییر مسیر داد، روندی که با اسلام‌گرایی به خوبی سازگار بود. بسیاری از شرکت‌های کوچک و متوسط در آناتولی به شرکت‌های بزرگی تبدیل شدند و سهم بیشتری از منابع عمومی طلب کردند. حزب اربکان از دهه‌ی نود شروع به تعدیل مواضع سیاسی خود کرد و به جذب رأی‌دهندگان حاشیه‌نشین شهری و ساکنان استان‌های محافظه‌کار پرداخت. با این حال، در زمان نخست‌وزیری کوتاه‌مدت اربکان، برخوردها بین بوروکراسی سکولار نظامی-مدنی و حزب اسلام‌گرای او شدیدتر شد و دادگاه قانون اساسی، این حزب اسلام‌گرا را در اواخر دهه‌ی نود ممنوع اعلام کرد.

جناحی معتدل‌تر به رهبری طیب اردوغان، شهردار سابق استانبول، درون جنبش اسلام‌گرایی پدید آمد و ادعا کرد که نه اسلام‌گرا بلکه دموکرات-محافظه‌کار است. این روند اعتدال، با ظهور بورژوازی محافظه‌کار همسو بود. آن‌ها به‌جای یک انقلاب اسلامی در کشور، مصالحه با نخبگان سکولار، عضویت در اتحادیه‌ی اروپا و سیاستی تهاجمی‌تر در منطقه را ترجیح می‌دادند. پس از بحران اقتصادی شدید سال ۲۰۰۱، حزب «عدالت و توسعه»ی اردوغان توانست از خلأ سیاسی در کشور استفاده کند و اکثریت مطلق پارلمان را به دست آورد. در سال‌های نخست حضور در دولت، حزب عدالت و توسعه برای تثبیت قدرت خود، گشایش‌های نیمه‌دموکراتیک را آغاز و در همان زمان، دستور کار نئولیبرال دولت‌های سابق را دنبال و حتی تعمیق کرد. به‌رغم رشد اقتصادی، نابرابری به سطحی بی‌سابقه رسید. پس از تضعیف رقبای سیاسی و بحران اقتصادی جهانی که از سال ۲۰۰۸ شروع شده بود، حزب عدالت و توسعه سیاست‌های سرکوبگرانه و استثماری بیشتری را دنبال کرد. اردوغان و حزبش در طول ۱۸ سال حکومت، بر اساس الگوی رشد ساخت‌وساز، انرژی و صنایع تسلیحاتی، توانستند بخش‌های بورژوازی الیگارشیک خود را در اقتصاد ایجاد کنند. حزب عدالت و توسعه به الگویی از ترکیب موفقیت‌آمیز شعارهای اسلامی و نئولیبرالیسم بدل شد. توازن قدرت سیاسی به این معنا برای طبقه‌ی کارگر نتیجه‌ای جز فلاکتی بی‌سابقه نداشته و برای اقلیت‌هایی مانند کردها، زنان و اقلیت‌های جنسی چیزی جز استبداد به ارمغان نیاورده است.

ممکن است تصویری کلی از ساختار طبقاتی جامعه‌ی ترکیه ارائه دهید؟ آیا چپ ترکیه توانسته است پایگاهی در میان افشار فرودست بیابد؟ چه گرایش سیاسی بر طبقه‌ی کارگر حاکم است؟

ترکیه، کشوری سرمایه‌داری است که در کنار کشورهایمانند هند، برزیل و آفریقای جنوبی از سوی برخی از نهادهای جهانی در گروه «کشورهای در حال توسعه» قرار می‌گیرد. سهم صنعت آن 23 درصد از تولید ناخالص داخلی است (ساخت و ساز 9/7 درصد، خدمات 6/02 درصد، کشاورزی 6/9 درصد). از 83 میلیون جمعیت ترکیه، 3/5 میلیون نفر به طبقه‌ی کارگر صنعتی بسیار قدرتمند تعلق دارند و سایر حقوق‌بگیران را حدود 30 میلیون کارگر فعال علاوه بر 14/2 میلیون بیکار تشکیل می‌دهند (کارگران ثبت‌نام نشده در این آمار محاسبه نشده‌اند). تعداد بازرگانان کوچک 1/6 میلیون نفر است. درآمد ماهانه‌ی حدود 60 درصد از کارگران، همان حداقل دستمزد تعیین شده از سوی دولت، یعنی تقریباً 300 دلار است. آنچه می‌توانیم «چپ» در ترکیه تعریف کنیم، بسیار متنوع است و ویژگی‌های کاملاً متفاوتی از نمونه‌های غربی آن دارد. یکی از احزابی که خود را چپ، چپ میانه یا سوسیال دموکرات معرفی می‌کند، حزب بزرگترین اپوزیسیون موجود است و معمولاً 20-25 درصد از آرای (CHP) جمهوری‌خواه مردم رأی‌دهندگان را به دست می‌آورد. به عنوان یک حزب منحصربه‌فرد که در سال 1923 جمهوری را بنیان گذاشت و 23 سال به تنهایی حکومت کرد، این حزب دارای برخی از ویژگی‌های بنیادین شدیداً ملی‌گرا است. اکثر طرفداران آن، سکولارها و تحصیل‌کردگان شهرهای غربی و علویان فقیر (دومین فرقه‌ی بزرگ اسلامی در ترکیه) هستند. از دیدگاه مارکسیستی، حزب جمهوری‌خواه مردم، یک حزب سوسیال دموکرات اصلاح‌طلب بورژوازی است.

حزب مردمی دیگری که می‌توانیم در تعریفی کلی از چپ بگنجانیم، حزب دموکراتیک است که در سال 2012 در مناطق کردنشین کشور شکل گرفت و بسیار قدرتمند است. این (HDP) خلق‌ها حزب در انتخابات عمومی، حدود 10 درصد از آرای شهرهای جنوب شرقی و مردم فقیر کرد و کارگر مناطق صنعتی را به دست می‌آورد و می‌توان آن را یک حزب ناسیونالیست خرده بورژوازی توصیف کرد. احزاب چپ انقلابی کوچک دیگری نیز با ریشه‌های استالینیستی یا مائوئیستی وجود دارند. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، این احزاب و گروه‌ها متمایل به ایجاد مواضعی اصلاح‌طلبانه‌تر بودند و برای ایجاد جنبش‌هایی معطوف به موضوعاتی مانند تغییرات اقلیمی، محیط زیست، آزادی زنان و اقلیت‌های جنسی تلاش می‌کردند. از طرف دیگر، جریان تروتسکیسم، مواضع مارکسیسم ارتدوکس را حفظ کرده و سعی در گسترش نفوذ خود در طبقات کارگر دارد.

به علت توسعه‌ی سریع ترکیه بین سال‌های 2002 تا 2007، حزب اصلی‌ای که کارگران را هم شامل می‌شود، حزب «عدالت و توسعه»ی اردوغان است، گرچه این حزب بسیاری از هوادارانش را، به‌ویژه به علت بحران‌های اقتصادی و مدیریت تأسف‌بار همه‌گیری کووید-19، از دست داده است.

اعتراضات پارک گزی در ابتدا جنبه‌ای محیط‌زیست‌گرا داشت، اما به سرعت فراگیر شد. امروز مسئله‌ی محیط زیست چه جایگاهی در میان چپ‌گرایان ترکیه دارد؟

درآمد ماهانه‌ی حدود 60 درصد از کارگران، همان حداقل دستمزد تعیین شده از سوی دولت، یعنی تقریباً ۳۰۰ دلار است.

علت آغاز اعتراضات پارک گزی در سال ۲۰۱۳، قطع درختان پارک بود اما با اولین مداخله‌ی نیروهای پلیس، به سرعت به شورش علیه رژیم دیکتاتوری اردوغان تبدیل شد و بزرگ‌ترین جنبش توده‌ای در تاریخ ترکیه را ایجاد کرد. مبارزات واقعی با اتحاد روستاییان علیه ساخت‌وسازهای حرارتی، پروژه‌های بی‌شمار استخراج منابع، از بین بردن جنگل‌های باقی‌مانده و حیات طبیعی کشور آغاز شد. انرژی و معدن، از جمله بخش‌های استراتژیک دولت «عدالت و توسعه» برای رشد اقتصادی است. تخریب مناطق کشاورزی و محیط طبیعی، روش سریع و آسان کسب سود برای سرمایه‌داران ترکیه و همچنین شرکت‌های چندملیتی است. مقابله با تخریب محیط زیست ترکیبی از مبارزات ضد سرمایه‌داری و جنبش بوم‌شناختی است. اکثر چپ‌ها به این مسئله حساس‌اند و این جنبش، در واقع جنبشی رو به رشد در همبستگی با مردم محلی است که در برابر چنین پروژه‌های مخربی مقاومت می‌کنند.

در دهه‌های اخیر، نوعی چپ اسلامی در ترکیه شکل گرفته است. ایده‌های علی شریعتی نظر چنین گروه‌هایی را به خود جلب کرده است. موضع چپ سکولار ترک در مقابل چپ اسلام‌گرا چیست؟ همان‌طور که می‌دانید، در انقلاب اسلامی سال ۱۹۷۹ در ایران، چپ سکولار با اسلام‌گرایان - از جمله اسلام‌گرایان چپ‌گرا - همکاری کرد، که این امر نتیجه‌ی خوبی نداشت. آیا این گرایش در میان چپ‌های سکولار در ترکیه هم وجود دارد؟

برخی از گروه‌های چپ اسلامی مانند «مسلمانان ضد سرمایه‌داری» یا «مسلمانان انقلابی» در ترکیه پا گرفتند. آن‌ها حتی به شورش گزی پیوستند و در اشغال میدان تقسیم - میدان مرکزی استانبول که بیش از یک ماه در اشغال معترضان بود - نقش داشتند. با این حال، این گروه‌ها نتوانستند به سازمانی همه‌گیر تبدیل شوند و در حاشیه باقی ماندند.

برخی از چپ‌ها که از چپ کمالیستی یا استالینیستی متأثرند، با گروه‌های چپ اسلامی‌ای نظیر «مسلمانان ضد سرمایه‌داری» یا «مسلمانان انقلابی» کاملاً مخالف‌اند. آن‌ها چنین گروه‌هایی را ضدانقلاب می‌دانند و هرگونه اقدام سیاسی در اتحاد با آن‌ها را رد می‌کنند. اما گرایش‌های چپ لیبرال از گروه‌های چپ اسلامی استقبال می‌کنند و معتقدند که می‌توان از این گروه‌ها به عنوان اهرم جلب و جذب محافظه‌کاران هوادار حزب «عدالت و توسعه» استفاده کرد. رویکرد متعادل‌تر، می‌تواند چنین تعریف شود: ما می‌توانیم در کنار

این گروه‌ها، اعتراضات مشترک یا اقدامات سیاسی علیه دولت «عدالت و توسعه» ترتیب دهیم یا از همگرایی توده‌ای حمایت کنیم، اما نباید وارد جبهه‌های سیاسی همیشگی با آن‌ها شویم و نباید از بحث سیاسی و ایدئولوژیک با این گروه‌ها دست بکشیم.

نقش زنان در میان چپ‌های سکولار در ترکیه چیست؟

پاسخ مستقیم به این پرسش دشوار است، زیرا یک پاسخ واحد وجود ندارد. می‌توان گفت جایگاهی که زنان در جریان چپ داشته‌اند، به لحاظ تاریخی، همیشه بنیادی بوده است. اما اینکه آیا چنین تلقی‌ای وجود داشته یا نه، محل پرسش است. چپ از وقتی خود را شناخت، از سوی مردان هدایت می‌شد. مردان مغز متفکر و پیشتاز بودند و زنان صرفاً پیروی و تصویر را کامل می‌کردند. این تفاهم درست مثل هر جای دیگری در ابتدا وجود داشت. «تاریخ رسمی» دست‌نوشته‌ی مردان بود.

با ظهور یک جنبش فمینیستی در ترکیه در اواخر دهه‌ی هفتاد و اوایل دهه‌ی هشتاد، جایگاه و نقش زنان و همچنین واقعیت مردسالاری و هماهنگی آن با سرمایه‌داری، آشکارتر شد. این بدان معنا نیست که قبلاً در ترکیه فمینیسم وجود نداشت. این فقط به این معنی است که این دوره، زمانی بود که زنان، به طور جمعی، خود را به عنوان سوژه‌ی سیاسی مطرح کردند و به زیر سؤال بردن هنجارهای مردسالارانه در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی را آغاز کردند - نه فقط به معنای روی میز آوردن موضوعات مربوط به زنان و مباحثه درباره‌ی آن بلکه همچنین به معنای ایجاد فشار به منظور پذیرفتن زنان به عنوان بازیگران اساسی مبارزات و سیاست طبقاتی.

از یک طرف، جریان‌های استالینیستی و شاخه‌های آن هنوز هم درگیرند که با زنان و مبارزه فمینیستی چه کنند. درک راکدشان از جامعه‌ی طبقاتی و تحولات اجتماعی باعث می‌شود که آزادی زنان و مبارزه با مردسالاری را به زمانی موکول کنند که مبارزه‌ی سوسیالیستی موفق شده باشد. این امر گاهی تا آنجا پیش می‌رود که مسائل یا خواسته‌های زنان را «بورژوازی» می‌نامند. آن‌ها همچنین هنوز در حال کلنجار رفتن با این پرسش هستند که آیا زنان می‌توانند در مورد مبارزه‌ی طبقاتی سیاست بورزند، نظریه‌پردازی کنند یا تجزیه و تحلیل مردان را به چالش بکشند؟

از طرف دیگر، پاره‌های دیگری از چپ وجود دارد که مبارزه‌ی زنان علیه مردسالاری را جدا از مبارزه‌ی طبقاتی نمی‌داند و به صراحت از فمینیسم به عنوان بخشی از برنامه‌ی سیاسی خود حمایت می‌کند. می‌توان احزاب تروتسکیستی، جنبش‌های دانشجویی، فمینیست‌های سوسیالیست را از جمله‌ی آن‌ها دانست. تاریخ اخیر، نقش اساسی زنان و تأثیر آنان را در مبارزات چپ اثبات می‌کند. برای مثال، زنان در صف مقدم اعتراضات پارک گزی حضور داشتند، نه فقط برای اعتراض و مبارزه با گفتمان‌های جنسیت‌زده بلکه

همچنین برای مبارزه با دولت و سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و زیست‌محیطی آن. به همین ترتیب، در دوره‌ی سرکوب شدیدتر و وضعیت اضطراری گسترده پس از تلاش برای کودتا علیه دولت اردوغان در سال ۲۰۱۶، زنان تنها بخشی بودند که برای دفاع از زندگی و حقوق خود در برابر دولت، در مبارزات خیابانی عقب‌نشینی نکردند.

موضع چپ‌های سکولار نسبت به ناسیونالیسم ترک چیست؟ آیا به نظر شما چپ‌گرایان باید با لیبرال‌ها و ملی‌گرایان همکاری کنند و متحد شوند؟

گرایش‌های چپ لیبرال از گروه‌های چپ اسلامی استقبال می‌کنند و معتقدند که می‌توان از این گروه‌ها به عنوان اهرم جلب و جذب محافظه‌کاران هوادار حزب «عدالت و توسعه» استفاده کرد.

آنچه می‌توانیم «ملی‌گرایان ترکیه» بنامیم، دو حزب کاملاً متفاوت‌اند. همان‌طور که در بالا اشاره کردم، است که در سال (CHP) یکی از آن‌ها قدیمی‌ترین حزب سیاسی ترکیه، حزب خلق جمهوری‌خواه ترکیه ۱۹۳۳ به دست کمال آتاتورک تأسیس شد. این حزب گرایش‌های سوسیال دموکراتیک، لائیک و ملی‌گرایانه است که در سال ۱۹۶۹ به دست (MHP) دارد. حزب دیگر، حزب ناسیونالیست، موسوم به حرکت ملی آلب ارسلان تورکش تأسیس شد. این حزب بر اساس اعتقاد به برتری نژاد ترک بنیان گذاشته شده و گرایش‌های فاشیستی دارد. به نظر من با حزب خلق جمهوری‌خواه ترکیه که البته حزبی بورژوازی است، می‌توان در بین طبقه‌ی کارگر اقدامات مشترکی انجام داد، اما با حزب حرکت ملی همواره باید مبارزه کرد کسانی که می‌توان آن‌ها را لیبرال خواند، یک بار از دولت اردوغان حمایت کردند. آن‌ها معتقد بودند که این دولت کشور را «مدرنیزه و متمدن» و ترکیه را وارد اتحادیه‌ی اروپا می‌کند. با وجود این، طی سال‌ها، با روشن شدن نتایج سیاست‌های اردوغان، حالا لیبرال‌ها سکوت کرده‌اند و تبدیل به فرقه‌ی حاشیه‌ای بدنامی شده‌اند. هر جریان واقعی چپ که اعتباری داشته باشد، در صورتی که با لیبرال‌ها همکاری کند، تمامی اعتبار خود را از دست خواهد داد.

آیا چپ‌گرایان ترکیه به جنگ با امپریالیسم عقیده دارند؟ آیا فکر می‌کنید که بساط سلطه‌ی قدرت‌های بزرگ باید از خاورمیانه برچیده شود؟

بله، چپ باید قطعاً ضد امپریالیسم باشد. با این حال، عجیب است که در این کشور همه ادعا می‌کنند که «ضد امپریالیست» هستند. اردوغان هر روز به کشورهای امپریالیستی حمله می‌کند و می‌گوید ایالات متحده و اتحادیه‌ی اروپا سعی می‌کنند که مردم ما را به بردگی بکشند و قصدشان نابودی دولت است. البته این

نشانه‌ی ریاکاری است. سرمایه‌داری ترکیه به شدت به امپریالیسم وابسته است و اردوغان فقط سعی می‌کند که موقعیت بهتری در مذاکره با کشورهای امپریالیستی داشته باشد. طرفدارانش تا حدی این عوام‌فریبی را خریدارند.

گرچه سوسیال‌دموکراسی می‌کوشد نسبت به مداخلات امپریالیستی در ترکیه و منطقه حساس باشد، اما در نهایت در پی ادغام با اتحادیه‌ی اروپا است. از طرف دیگر، حزب دموکراتیک خلق‌ها بی‌سر و صدا عقیده دارد که مداخله‌ی ایالات متحده‌ی آمریکا در منطقه برای تعیین سرنوشت مردم کرد مفید خواهد بود.

چپ افراطی از لحاظ نظری مخالف امپریالیسم است، اما اکثریت معتقدند که امپریالیسم، فقط ایالات متحده است. به همین دلیل، آن‌ها ترجیح می‌دهند که از اتحادیه‌ی اروپا برای تقویت دموکراسی یا از سایر قدرت‌های بزرگ مانند روسیه و چین برای ایجاد تعادل در رابطه با آمریکا حمایت کنند.

چپ انقلابی با همه‌ی شکل‌های امپریالیسم و توسعه‌طلبی در خاورمیانه مخالف است و از همبستگی همه‌ی مردم خاورمیانه برای ریشه‌کن کردن امپریالیسم در منطقه و ایجاد فدراسیون جمهوری‌های سوسیالیستی حمایت می‌کند.

وضعیت حقوق اقلیت‌های جنسی در ترکیه چگونه است؟

از نظر حقوقی، همجنس‌گرایی در ترکیه جرم نیست اما هیچ قانون و حمایتی برای زوج‌های همجنس وجود ندارد. تغییر جنسیت مجاز است و از سال ۱۹۸۸، افراد ترانجسیتی می‌توانند جنسیت قانونی خود را تغییر دهند. اقلیت‌های جنسی طبق کنوانسیون ژنو حق دارند که در ترکیه پناهندگی بگیرند. با این حال، هیچ قانون خاصی اعم از مدنی، کارگری یا کیفری، برای حمایت از اقلیت‌های جنسی در برابر تبعیض و خشونت ناشی از گرایش جنسی یا هویت جنسیتی وجود ندارد.

واقعیت موجود در خیابان کاملاً متفاوت از آزادی قانونی است.

برای مثال، تعداد زیادی از اقلیت‌های جنسی از ایران، عراق، لبنان و افغانستان به ترکیه آمده‌اند. با این حال، دولت از قبول رسمی آن‌ها به عنوان پناهنده یا حمایت از آن‌ها امتناع می‌کند. اخیراً دولت دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی را برای این پناهندگان فراهم کرد اما علت این اقدام همه‌گیری کرونا بود.

افکار عمومی، در مورد همجنس‌گرایی و اقلیت‌های جنسی به طور کلی محافظه‌کار بوده است و این افراد، به‌ویژه در سال‌های اخیر، به طور فزاینده و علنی، تحت تبعیض، آزار و اذیت و خشونت اجتماعی، سیاسی و پلیسی قرار گرفته‌اند. رئیس سازمان امور مذهبی ترکیه در خطبه‌ای در تأیید و ترویج نفرت و خشونت علیه اقلیت‌های جنسی تا آنجا پیش رفت که آنان را در ایجاد و انتشار بیماری کووید-۱۹ مقصر دانست.

علاوه بر این، هر سال شماری از افراد ترانجسیتی به طرز بی‌رحمانه‌ای به قتل می‌رسند و تعداد کشته‌شدگان، دقیقاً مانند موارد مربوط به زن‌کشی، در حال افزایش است. با این حال، چون قتل افراد ترانجسیتی، جرمی مبتنی بر نفرت به شمار نمی‌رود، نه آمار موثقی ارائه می‌شود و نه دولت به طور جدی از آن‌ها محافظت می‌کند. برعکس، عوامل این امر توسط پلیس و نظام حقوقی محافظت می‌شوند.

همچنین باید بگویم که بسیاری از گروه‌های بورژوازی مخالف دولت، در برابر خشونت‌هایی که اقلیت‌های جنسی با آن مواجه‌اند عمدتاً سکوت می‌کنند. اگر هم چیزی در محکوم کردن تبعیض و خشونت علیه این افراد بگویند، از موضع «انسانیت» است و نه حمایت آشکار از اقلیت‌های جنسی. آن‌ها از ترس از دست دادن شانس پیروزی در انتخابات، از موضع‌گیری در قبال اقلیت‌های جنسی طفره می‌روند. بنابراین، اقلیت‌های جنسی، جنبش فمینیستی و چپ‌ها تنها بخش‌هایی از جامعه‌اند که علناً تبعیض و خشونت بر اساس گرایش جنسی یا هویت جنسیتی را تقبیح، رد و علیه آن مبارزه می‌کنند.

موقعیت کردها در میان سکولارهای ترکیه چگونه است؟ چه رابطه‌ای بین فعالان چپ کرد و فعالان چپ ترکیه وجود دارد؟ چپ‌گرایان برای بهبود اوضاع کردها در ترکیه چه کرده‌اند؟

به طور سنتی، کمالیست‌های چپ و استالینیست، کردها را به عنوان ملتی متمایز و دارای حق تعیین سرنوشت خود به رسمیت نمی‌شناختند. از دهه‌ی ۱۹۷۰، همزمان با رادیکال شدن مبارزه‌ی کردها، برخی از بخش‌های چپ ترکیه، مبارزه‌ی مردم کرد و حقوق ملی آن‌ها را به رسمیت شناختند.

از دهه‌ی ۱۹۸۰، همزمان با ضعف پیوسته‌ی چپ ترکیه، جنبش ملی کردها به یک جنبش توده‌ای تبدیل شده است. هرچند مبارزه‌ی مسلحانه پ.ک.ک مسئله‌ی کرد را بیش از پیش برجسته کرد، اما روش‌های آن، نقش تفرقه‌آمیزی بین طبقات کارگر ترک و کرد داشت. در سال ۲۰۱۴، برخی از بخش‌های چپ ترکیه و گرچه این (HDP) نمایندگان سیاسی جنبش کرد، یک حزب مشترک ایجاد کردند: حزب دموکراتیک خلق حزب یک توده‌ای است، اما در سیاست‌های اصلاح‌طلبانه و عملی، جلوتر از رژیم اردوغان است. پس از فروپاشی روند مذاکره بین حزب عدالت و توسعه و حزب دموکراتیک کرد در سال ۲۰۱۵، این حزب تحت سرکوب شدید دولتی قرار گرفت. اکنون هزاران نفر از اعضای حزب دموکراتیک خلق، از جمله نامزدهای سابق انتخابات ریاست‌جمهوری و شهرداران منتخب دستگیر شده‌اند. اکثریت چپ ترکیه در برابر سرکوب دولتی، با حزب دموکراتیک خلق همبستگی دارند. با وجود این، مشکل اصلی این است که چگونه می‌توان یک برنامه‌ی سیاسی را که ترکیبی از آزادی مردم کرد و رهایی طبقات کارگر ترک و کرد باشد، مطرح کرد و رواج داد.

موضع چپ‌ها نسبت به نسل‌کشی ارمنه در ترکیه چیست؟ نسل‌کشی ارمنی‌ها چطور در جامعه مطرح شده است؟

مانند مسئله‌ی کرد، چپ سنتی کمالیست و استالینیست، نسل‌کشی ارمنه را برای مدتی طولانی انکار می‌کرد. با ظهور چپ رادیکال انترناسیونالیستی و واقعی در دهه‌ی ۱۹۷۰، بحث ارمنی‌ها در درون چپ ترک و کرد آغاز شد و این چپ انترناسیونالیست و ضد سرمایه‌داری وجود نسل‌کشی را تصدیق کرد. سیاست دولت ترکیه، نفی قاطع نسل‌کشی از طریق سیاست‌های آموزشی و مواضع شوونیستی احزاب است. این مسئله هنوز برای جامعه نوعی تابو است. با این حال، چپ‌های انترناسیونالیست و همچنین حزب دموکراتیک خلق، نسل‌کشی را به رسمیت می‌شناسند و سیاست‌های خصمانه‌ی دولت «عدالت و توسعه» علیه ارمنستان را محکوم می‌کنند. آرمان آن‌ها، همبستگی و برادری همه‌ی مردم منطقه است

سایت آسو